

سرشناسه: بروجردی، علی محمد، ۱۳۵۹، گردآورنده

عنوان و نام پدیدآور: دعا‌های شفا بخش / تهیه و تنظیم بنیاد بین المللی دعا؛

مؤلف علی محمد بروجردی.

مشخصات نشر: قم: قرآن صاعد، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری: ۱۹۲ص.

شابک: ۳-۰۰-۹۴۰۹۳-۶۰۰-۹۷۸-۶۰۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: فارسی - عربی.

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع: دعاها -- خواص

رده بندی کنگره: BP ۲۶۶ / ب ۴۴ د ۱۳۹۲۷

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۷۷

شماره کتابشناسی ملی: ۳۳۲۵۵۰۸

دعا‌های شفا بخش

- تهیه و تنظیم: بنیاد بین المللی دعا
- مؤلف: علی محمد بروجردی
- ناشر: قرآن صاعد □ تیراژ: ۳۰۰۰ جلد
- طراح جلد: مسعود نجابتی □ صفحه‌آرایی: ظریف
- نوبت چاپ: اول □ قیمت: ۶۰۰۰۰ ریال
- شابک: ۳-۰۰-۹۴۰۹۳-۶۰۰-۹۷۸

info@bonyadedoa.com



www.bonyadedoa.com

بنیاد بین المللی دعا

۹۶ ۶۶ ۷۵ ۳۷-۲۵۰



فهرست مطالب

فصل اوّل

ادعیه تسکین دردها

قسمت اوّل: دعاهاى شفا	۱۹
۱. تسکین درد	۱۹
۲. تعویذ	۴۶
قسمت دوّم: شفا با تربت امام حسين عليه السلام	۴۷

فصل دوّم

ادعیه شفا برای مواضعی از بدن

قسمت اوّل: ادعیه مربوط به مواضع خاص	۶۱
الف: ادعیه مربوط به مواضع مشخص	۶۱
۱. تب	۶۱
۲. سردرد	۶۸
۳. تب و سردرد	۷۷

۴. گوش درد ۸۰
۵. کم شنوایی ۸۱
۶. همه‌گوش ۸۳
۷. چشم درد ۸۳
۸. کم بینایی ۸۶
۹. نابینایی ۸۷
۱۰. دندان درد ۸۹
۱۱. دندان درد مزمن ۹۴
۱۲. کمر درد ۹۵
۱۳. معده درد ۹۵
۱۴. دل درد ۹۶
۱۵. دل پیچه و نفخ کودکان ۹۷
۱۶. شکم و پشت ۱۰۰
۱۷. پهلو درد ۱۰۱
۱۸. عورت ۱۰۳
۱۹. بواسیر ۱۰۴
۲۰. سنگ مثانه و فلیج و قولنج ۱۰۵
۲۱. زانو درد ۱۰۸

۱۰۹	۲۲. پا درد
۱۱۲	ب: ادعیه مربوط به مواضع غیر مشخص
۱۱۲	۱. شفای ورم
۱۱۶	۲. شفای زخم
۱۱۸	۳. بند آوردن خون
۱۱۸	۴. جاش صورت و بدن «آبله»
۱۱۹	۵. بیش بشه رکک
۱۲۰	۶. درمان برص
۱۲۰	۷. درمان زگیل
۱۲۲	قسمت دوم: دعا برای درمان درد زایمان
۱۲۲	۱. درد زایمان
۱۲۹	۲. زایمان سخت
۱۳۰	۳. درد زایمان چهارپایان
۱۳۱	۴. دعای آسان زاییدن

فصل سوم

دعا برای درمان بیماری‌های روحی

۱۳۵	۱. وسوسه‌های قلبی
-----	-------------------

۲. فراموشی ۱۴۱
۳. درد و ترس ۱۴۳
۴. برطرف شدن فقر و بدهی ۱۴۵
۵. برآوردن حاجت ۱۴۶
۶. وسواس در نماز ۱۴۶
۷. غم و اندوه ۱۴۷
۸. چشم زخم ۱۴۸
۹. جن زدگی ۱۵۰
۱۰. شک و تردید ۱۵۰

فصل چهارم

تتمه

- قسمت اوّل: شفا با آیات قرآن ۱۵۵
- قسمت دوّم: نماز شفا ۱۷۱
- نماز بیمار ۱۷۱
- قسمت سوّم: ادعیه عیادت ۱۸۵
- عیادت بیمار ۱۸۵
- شکر از سلامتی جسم ۱۹۰

بسمه الشافی

طیب عشق مسیحا دم است و مشفق لیک

چو درد در تو نبیند که را دوا بکند؟

رسول خدا ﷺ از جبرئیل امین و او از خداوند عز و جل روایت کرد که فرمود: ... بنده ای سه باره به درگاهم دعا می کند، تا آن که او را دوست بدارم و چون دوستش بدارم، بخور، گوش، چشم، دست و پاوار او می گردم. هرگاه مرا بخواند پاسخش می دهم و هرگاه از من درخواست کند به او می بخشم ...

ایمان بعضی بندگان مؤمنم جز بیساری اصلاح نمی کند. اگر جسم او را سالم گردانم [سلامت] ایمان او را فاسد می کند و ایمان را بی بندگان مؤمنم جز با سلامتی اصلاح نمی شود و اگر او را مریض سازم این کار ایمان او را فاسد می کند و من به خاطر آگاهی بر دل آنان [امور] بندگانم را سامان می دهم

یا رب دعای خسته دلان مستجاب کن...

از بهترین هدایا و عطایای الهی بر دست پرورده هایش، مسئله بنیادی رخصت در دعا و فرصت در مسئلت است، گوهر گرانبهایی که یک سر آن آویخته در بطنان عرش و سوی دیگرش نازل در دنیای فرشیان است، مرکب

راهوار نیایش همچون براق از آفاق خلقت تا بلندای عظمت سیر انفسی شخص نیایشگر را سیر می دهد. دعا سلاحی است کارا و یادگاری است مانا.

از صدای سخن عشق ندیدم خوشتر یادگاری که در گنبد دوار بماند
نجوای با محبوب لایزال نردبام مستحکم و ریسمان محکمی است برای نیل
به مدارج و معارج روحانی. سنخ ادعیه وارده از حضرات آل الله علیهم صلوات
الله، منظومه ای است جامع از گلواده های پر ترنم تنفس در فضای عطر آگین
«سبک زندگی دینی». دعا به معنای توجه تام به مبدأ فیض تصویری است
مینیا توری از دست های آرام گرفته در مفهوم متعالی «ید الله فوق ایدیهم»، این
چینی است که باید دست ها را این شاخه های پر برگ و بار بازگشته از محضر
دوست را بوسید و بر سر و صورت کشید. (آن چنان که در مجامع روایی آمده است)
در ادامه سلسله بحث های معارفی و دعا و دعا بر امون حقیقت، حکمت و
جایگاه مسئله «دعا» در ادبیات و هندسیه معرفت دینی، بعضی شاخص ها و
شاکله های مندرج در موضوع اشاره می کنیم:

□ اول: با دقت در موارد استعمال لفظ دعا در ادعیه و آیات و احادیث و در
مفردات و خانواده معنایی این لغت شریف در می یابیم که مطلق و صرف مکالمه،
مخاطبه، توجه همراه با خواندن ذات ربوبی در برگیرنده زوایای کلمه مورد
اشاره می باشد.

□ دوم: بر طبق صریح قرآن و تصریح اخبار و احادیث، اجابت بعد از دعا
امری است قطعی، به تعبیر علامه طباطبایی در المیزان (نقل به مضمون) اجابت
مورد اشاره در کریمه: «ادعونی استجب لکم» تنها و تنها مقرون و مشروط به دو

شرط است: یکم؛ تحقق اصل دعا و خواندن پروردگار جهت جلب فیض. دوم؛ اخلاص در دعا به این معنا که فقط و فقط حق را بخواند و او را بخواند. - هر چند در سبک عرض حاجت به درگاه پروردگار توجّه به نظام علی و معلولی و رابطه اسباب و مسببات ملحوظ است و انجام وظیفه بندگی در هر شأن و شغلی ساقط نمی‌شود. بنابراین آن چه در احادیث تحت عنوان عوامل استجاب یا موانع اجابت دعا شرح این اجمال و بسط این دو شرط است.

□ سرّ: در مباحث پژوهش محور ذیل موضوع مناجات و دعا تفاوتی اساسی بین مقوله «اصابت» و «اجابت» است. (لازم به ذکر است دعا از حیث قرب و بعد داعی به حق بی‌واسطه نادات و مناجات قابل تفکیک است به این معنا که وقتی خود را دور می‌بیند و او را دور می‌یابد ندا می‌کند اما آن گاه که به محضر او راه می‌یابد به مناجات می‌نشیند).

توضیح آن که اغلب کسانی که از برآورده نشدن خواسته‌هایشان (ولو به ظاهر) گله مند و دل غمین هستند، متوجّه این معنا نیستند که در دعا حقیقی حتماً لیبیک خدای مهربان است. اما این که آن چه خواسته اند لزوماً عطا شود این همان «اصابت» است که باید به خدا سپرد و باور داشت هر چه از دوست رسد نیکوست. بلکه یقیناً آن چه خدای بزرگ از مخزن غیبش عنایت می‌کند قابل مقایسه با مطالبه و مسئلت ما نیست. اگر کسی پرندۀ دعایش را به آسمان تمنا و عنایت حقّ پر داد یقین داشته باشد که نظر لطف حیّ قیوم شاملش خواهد شد.

ما چه می‌دانیم که در پس پرده چه نقش‌ها و چه مصالحی خفته است. کاسه‌ها را پر خواهند کرد از انعام و اکرام و تفضّل. به تعبیر اهل معرفت اگر آن چه

خواستیم ندادند، یا مصلحت در تأخیر است یا در تبدیل به احسن و چه بهتر که برای روزی که «لا ینفع مال ولا بنون الا من اتى الله بقلب سلیم» ذخیره‌ای نورانی از ادعیه به صورت مستجاب نشده و به باطن مرحمت شده داشته باشیم.

□ چهارم: در عدم اصابت خواسته شخص داعی، مصالحی و معارفی نهفته است که ذیلاً به بعضی از آن موارد اشاره می‌شود:

الف: اصرار و الحاح در دعا که خود موضوعاً مطلوب و حقیقتاً محبوب است. البته باید توجه داشت که اصل اصرار بر دعا و انابه و گدایی و درخواست از بی‌نیاز مطلق و حفظ این روحیه مرغوب است نه پافشاری صرف بر محتوای درخواست خود.

ب: تداوم به تداوم عکوف و رفق و آستانه پروردگاری و تترّم طلب حاجت بر لبان شخص گرفتار ایجاد نورانیت، خضوع و خشوع می‌کند و فی نفسه ارزش ذاتی دارد.

جالب آن است که در روایات هم اشاره شده به احباب اظهار نیازمندی‌های و حاجت‌ها با آن که رب العالمین، علّام الغیوب است اما خود این اظهار مسکنت در طریق بندگی کمک کاری است تسریع بخش.

ج: ممکن است اطالۀ مدّت دعا و خسته نشدن از نیایش - چنانکه در صریح ادعیه وارد شده است - ایجاد مصلحت می‌کند و در بستر زمان مرید را به مرادش می‌رساند چنانکه دیده و تجربه شده است.

د: برای پر شدن ظرف اجابت نیاز به زمان و زمینه‌هایی است و عدم استجابت فوری باعث برکات و به ثمر نشستن میوه امید شخص و پخته تر شدن

شخص سالک و داعی است.

ه: در بسیاری مواقع با عدم استجابت لطف بزرگی در حق بنده شده (چنانکه در روایت قدسی است که گاهی خدا بندهٔ محبوبش را دیر به خواسته‌اش می‌رساند تا بیش تر صدای او را در انابه و الحاح بشنود به خلاف بعضی از آنان که گاه در هیچ خواسته ای ظاهری جواب نمی‌مانند).

و: عید در اثر تحلّم و تحمّل و صبر بر نیایش، ادب دعا را می‌آموزد و با معارف بین آن آشنا می‌گردد و به یک تفقّه، تنبّه و بلوغ در ارتباط با خدای تعالی می‌رسد و به بدست حقایق و شواهدی برای او از این رهگذر مکشوف شود.

□ پنجم: معارف از عرفان بزرگان اهل راه زبان دعا را به سه بخش تقسیم می‌کنند: ۱- دعا به زبان قال (دعای نظر)، ۲- دعا به زبان حال، ۳- دعا به زبان استعداد (درباره این سه بخش در مجلدات محتوایی بنیاد بین المللی دعا به خواست خدا مستقلاً به بحث خواهیم نشست).

اختصاراً عرض می‌کنیم دعای مطلوب مکتب رمایه عشق قرآن و عترت آن است که از قلب به زبان سرایت کند و از جان مستعدّ زبانه‌کشد. دعای استعدادی زبان فطرت و نیاز حقیقی هر کسی است که برای برآورده شدن خواسته اش همهٔ وجود او گویا زبان دعا باز کرده است.

طیب عشق

بعضی امور و ظرایف و حقایق در نظام هستی است که فقط دردمندان و اهل درد آن را می‌فهمند و ای بسا اگر بلا و درد نبود عشق و عرفان نیز به درستی فهم نمی‌شد.

همه ما در صراط زندگی و سلوک بندگی با این مفهوم آشنا شده ایم. بعضی کمتر و عده ای بیش تر. به تعبیر شهید درد آشنا سید اهل قلم مرتضی آوینی «معنای حقیقی زندگی را آنان می فهمند که همواره با مرگ در مصاف اند»؛ و باید گفت معنای حقیقی سلامت ظاهری و باطنی را نیز تنها کسانی در می یابند که با بیماری به نحو مداوم و عمیق آن دست به گریبان اند. هر چند بیماری ها و نقص ها و کاستی ها اعم از روحی و جسمی گاه مسبب خود ما هستیم و گاه دیگران. اما آن معلوم است که برای بنده شاکر این امتحانات دشوار یا کفاره گناهان و کفران نعمت باشد یا باعث ترفیع رتبه بندگی و یا علامت و آیت و مرآتی که ما در آن کوتاهی ها و آسیب ها و کمبودهای بندگی خود را مشاهده کنیم. نقصان یا آسیب جسمی نیز فرصتی است برای به خود آمدن و نفس را به حساب کشیدن و البته جبران معافات و مدد گرفتن از کاشف الکربات!

پاداش مؤمن صابر بر بلا و مریضی چنان است که در این روایت ملاحظه می فرمایید:

عبدالله بن مسعود می گوید نزد رسول خدا ﷺ بودیم. آن حضرت لبخندی زد. گفتم چه شده ای رسول خدا. فرمود: از مؤمن و بی تابی او از بیماری در شگفتم اگر می دانست در بیماری چه پاداشی برای اوست دوست می داشت همواره بیمار باشد تا آن که پروردگارش عزوجل را ملاقات کند.^۱ (البته مخاطب محترم توجه دارد که این سنخ از روایات در صدد این نیست که بگوید

۱- توحید صدوق، ج ۱، ص ۶۱۲، ح ۳.

مریض به مریضی اش خو بگیرد و در پی بهبودی خود برنیاید، بلکه به نظر می‌رسد که اگر به الهام الهی فهمید که از این مرض چاره‌ای ندارد آن را عطیّه‌ای الهی بداند و به آن راضی باشد؛ هرچند که در هر مرحله آن چه از وظایف بندگی برایش محرز شد باید کوتاهی نکند. عزیزان برای آشنایی با اسرار و معارف این بخش خوب است به دعای پانزدهم صحیفه سجّادیه حتماً مراجعه بفرمایند).

باید دانیم که خدا با بلا و زنگ امتحان ما را صدا زده است و گویا به تعبیر آن عارف راه یافته مرحوم حاج محمد اسماعیل دولابی رحمته الله با این ابتلاء با ما کاری دارد و به ما ارج گذاشته است.

همین تعبیر ارفقیه عارف و سالک متأله مرحوم میرداماد در یکی از مؤلفات عرفانی اش متعرض شده است. (گويا که اب الأربعین) - نقل به مضمون - ایشان می‌فرماید: پروردگار گاه مدّت ها بنده محبوبین و باسنگ پای بلا و امتحان و مصیبات مبتلا می‌کند تا یکبار از سرایرده دل بگوید: «یا الله» و فوراً او را به آب رحمتش برای ابد شست شو دهد. مستهم بالبأساء والضراء لهم یضرعون.

اشک در چشمانم حلقه می‌زند وقتی می‌نشینم پای درد دل و آتش جسم کسی که با همه سلول های وجود نازنیش درد را حس می‌کند و با این مهمان ناخوانده و شاید خوانده اش سرطان یا هر مریضی دیگری مبارزه و شاید مدارا می‌کند و البته از آن درس می‌گیرد هر نفس ناله شکر می‌کارد و لب به نارضایتی نمی‌گشاید و هر از چند گاهی از گوشه ی چشمش سرشک اشک جاری می‌شود و آرام می‌گوید: یا زهر العسل!

خدا می‌داند نیمه شبی که این ها را بر صفحه کاغذ می‌آوردم یاد همه بیماران



افتادم که شب‌ها بی‌کس و تنها انیس و مونس‌شان خدای بی‌همتا است و قوت
دلشان ذکر یا علی ع و یازهراس و دلگرمیشان به دعا و توجه و توسل مؤمنین از
بستگان و آشنایان و دوستان.

آن هنگام که این نوشته به رشته تحریر در می‌آمد چشمانم بارانی بود و فقط
یک جمله جلوی پرده اشک دیده بانم بود به عزیزانم بیماران خصوصاً بیماران
سرطانی: شما اگر بدانید و اگر پرده از جلوی چشمانتان برداشته شود، هم اکنون
مهمان خدا هستید، اگر ما دل شکسته خدا را بخوانید شما میزبانید و ربّ جلیل
میهمان شما؛ چنانکه خود فرمود در حدیث قدسی: انا عند منکسره قلوبهم؛ من
نزد دل‌های شکسته‌ام. اما اگر شما می‌خواستید یک جمله به من و امثال من
بگویید احتمالاً این بیت را زمزمه می‌کردید:

آتش بگیر تا که بدانی چه می‌کشم / ای خدا، سوختن به تماشا نمی‌شود
می‌دانم که نمی‌فهم حال شما را اما شما را به خدا، ای همان حال و صف
ناشدنی تان برای ما خفتگان در خواب غفلت و مردگان دفن شده در بازار دنیا و
روز مرگی پر کسالت، ما سرطانی‌های حقیقی مبتلا به گناه و معصیت را هم از
پرده دل دعا کنید که شما فقط آزموده مرض جسمید و ما گرفتار بیماری کشنده
گناه. به فرموده مهربان‌ترین پدران و مادران خلقت، حضرات طلایه داران
عصمت یکی از مواقع و مواطن استجاب دعا، دعای مریض است هنگام
بیماری.

یکی درد و یکی درمان پسندد / یکی وصل و یکی هجران پسندد
من از درمان و درد و وصل و هجران / پسندم آن چه را جانان پسندد

خبر فوری و قطعی

بر اساس روایات قطعی الصدور و صحیح السند روز قیامت خدای کریم و عاری از عیب و نقص و منزّه از ظلم و ستم از چند طایفه و گروه اهل ایمان و صبر به خاطر گرفتاریشان عذرخواهی می‌کند؛ یکی فقرا، دیگری بیماران، و چنان به ایشان از فضل و کرم خود عطا می‌کند که در چشم اهل محشر خیره می‌شود و نظیر آنکه وقتی اجر صابران داده می‌شود و دعاهای مستجاب نشده اهل دعا مضاعف پاسخ می‌یابند، آرزو می‌کنند ای کاش بدن هایشان در دنیا با قیچی تکه تکه می‌شد و هیچ دعایی مستجاب نمی‌شد تا پاداششان را امروز دریافت می‌کردند.

کار به این جا ختم نمی‌شود. صحنه‌های شگفت‌انگیز تری در پیش روست. چنانکه در عرصات، حضرت حق شکایت می‌کند از آنانی که بنده مؤمنش را در مرض عیادت نکردند و این چنین اعجاب همه را باعث می‌شود که چرا به عیادت نیامدید؟! و ایشان عرضه می‌دارند: خدایا چگونه تو را که پروردگار جهانیانی عیادت می‌کردیم؟! حق جلّت عظمت می‌فرماید: مگر نمی‌دانی که اگر او را عیادت می‌کردی مرا پیش او می‌یافتی.

الله اکبر از این همه لطف و مهر و شفقت که ارکان سماوات و عرضین را پر کرده. سخن کوتاه، مرض و مریض، طبیب و طبابت، درمان دارو، صحت و عاقبت و موت و حیات همه و همه جلوه‌هایی از جلوات حضرت صاحب الجلال و الجمال است.

سخن آخر

کتاب حاضر داروخانه ای است مزین به نسخه های شفا بخش و جرعه های جان بخش از دلسوزترین و داناترین اطبای دایره هستی با این توضیح که دعاهای وارده چنان که بارها اشاره شد همچون دارویی است که می بایست با توجه به سایر عوامل و در کنار تلاش و کوشش برای بهبودی، عمل به نسخه ضعیف و خلاصه طی کردن همه ی مراحل تأمین سلامت به کار بسته شود و طبعاً این این معیار منافی نیست که ارتقای شاخص های سلامت جسمی و روحی منحصر است به عمل به دستورات متعالی مکتب نجات بخش اهل بیت علیهم السلام با این زاویه دید که رهیافت دعا و سلوک در مسیر مناجات، پیگیری آثار همه علوم و فنون و به کار بستن آن ها مستلزم توجه به این حقیقت است که مؤثر حقیقی و شافی قطعی اوست. کار و حرکت الهی گذاری از ما توفیق و برکت و تأثیر از او، به امید شفای همه بیماران.

والسلام علی من اتبع الهدی

محمد ارشادی مقدم